

بابک احمدی

نوشته‌های پراکنده



نشر مرکز

فهرست

پیش‌گفتار ۱

فلسفه

۱. فضیلت و ترور ۷
۲. دو دیالکتیک ۲۳
۳. مارکس ۳۸
۴. ترجمه‌ی مجلد نخست «سرمایه»ی مارکس ۴۷
۵. فروید و فلسفه ۵۳
۶. لاکان و فلسفه ۸۰
۷. آلبر کامو، دوست باز یافته ۱۱۸
۸. ترجمه‌ی متن‌های فلسفی ۱۲۵

تاریخ و سیاست

۱. آن که مثل من هست / آن که مثل من نیست ۱۴۳
۲. مردم، دولت و مسئولیت اخلاقی ۱۶۲
۳. پوپولیسم و دموکراسی ۱۷۳
۴. شکنجه و خشونت تدافعی ۱۸۱

فضیلت و ترور

۱

این مقاله استوارست بر پرسش‌های آقای خجسته رحیمی که من یک‌جا به آن‌ها پاسخ داده‌ام. پرسش‌ها چنین‌اند:

«روبسیپر در بحبوحه‌ی روزگاری که قدرت را در اختیار داشت گفته بود: «ترور (انقلابی) از آن‌جا که عدالت است، اساساً در اصلی که قوام و ماهیت دموکراسی است، یعنی فضیلت، دخالت دارد. ترور نه یک اصل خاص بل نتیجه‌ی اصل عام دموکراسی است که بر حادترین نیازهای وطن اعمال می‌شود. قوام حکومت مردمی در حال انقلاب، در عین حال هم فضیلت است، و هم ترور. ترور بدون فضیلت، مرگ‌بار است و فضیلت بی ترور، ناتوان». اکنون می‌پرسیم:

۱. آیا نوع نگاه روبسیپر به فضیلت ترور انقلابی، نمی‌تواند ریشه در تناقض‌ها و آسیب‌های فکری متفکران عصر روشن‌گری داشته باشد؟ به دیگر سخن، آیا فعلیت یافتن اندیشه‌ی روسو نیست که در افعال روبسیپر نمودار می‌شود و خلئی در اندیشه‌ی روسو و دیگر متفکران عصر روشن‌گری را به تصویر می‌کشد؟

۲. به نظر می‌رسد که در اندیشه‌ی فیلسوفان روشن‌گری خلئی وجود دارد که آن را با چیزی به نام فضیلت پر می‌کنند. حتا دنی دیدرو در جایی می‌گوید: «در بحبوحه‌ی شورش‌ها فقط فیلسوف است که می‌داند چگونه آزادی را حفظ کند». پرسش این است که این فیلسوفان جای خالی چه چیزی را با